

احمد ضیا سپهر صدیقی:

## دونالد ترامپ تصمیم به خروج عجولانه نیروهای نظامی اش از افغانستان دارد.

امریکا برای گرفتن انتقام شکست خود در جنگ ویتنام و برای تحقق اهداف سودجویانه امپریالیسم جهانی، جنگ افغانستان را به وجود آورد و افغانیزه کرد، ولی نتوانست به اهداف اعلام شده جنگ خود در این کشور برسد. کنون پس از دو دهه جنگ، دونالد ترامپ تصمیم به خروج عجولانه نیروهای نظامی اش از افغانستان را دارد، ولی وضعیت افغانستان بسیار وخیم تر از نخستین سالهای اشغال این سرزمین از سوی امریکا - ناتو است. براساس گزارشات منتشر شده در مطبوعات جهانی، ترامپ باگزینش جنرالهای جدید در پنتاگون زمینه را برای خروج سربازان آمریکایی از کشورهایی عراق و افغانستان فراهم ساخته است. او تصمیم دارد پیش از پایان دوره زمامداری خود به یکی از وعده‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ خود عمل کند. اشکار است که کاهش حضور نظامی امریکا در افغانستان، عقب‌نشینی سریع و شتابزده نیروهای سایر کشورهای غربی و متحد امریکا را نیز سبب خواهد شد. طوریکه مشاهده می‌گردد حضور نظامی امریکا در افغانستان برای سربازان ناتو اهمیتی حیاتی دارد. قوای هوایی امریکا و سربازان نیروی پیاده آن کشور در افغانستان عملاً در پشتیبانی از نیروهای ناتو و نهادهای مربوط به کشورهای عضو این پیمان عمل می‌کنند. کاهش حضور نظامی امریکا در افغانستان عملاً کمپهای کشورهای عضو ناتو را در برابر حملات احتمالی طالبان و داعش بی دفاع رها خواهد کرد.

دیگر اشکار گردیده است که تیم ترامپ و میلیاردرهای ناسیونالیست امریکایی بجز از منافع سودجویانه و غارتگرانه خویش به هیچ چیزی پابند نیستند، خروج امریکا از افغانستان و عراق و کاهش حضور نظامی آن در افغانستان و عراق عملاً پیمان شکنی آشکار و پا گذاشتن به آن اصول و موازین است که خود آنرا برای ناتو اساس گذاشتند. در پیمان ناتو اصل بر "ورود مشترک به جنگ" و "خروج مشترک از جنگ" است. در همین ارتباط "ینس استولتنبرگ"، دبیرکل ناتو تصریح کرده است که خروج شتابزده نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان می‌تواند جان سربازان کشورهای متحد امریکا در این دو کشور را به مخاطره اندازد. مردمان جهان فراموش نمیکنند که این دولت امریکا بود که پای ناتو را در جنگ عراق به بهانه تولید جنگ افزارهای کشتار جمعی از سوی دولت عراق و در ارتباط با حمله تروریستی یازدهم سپتامبر، در جنگ افغانستان کشانید، و آنها را وادار به ورود به میدان جنگ و تداوم فرآیند اشغال سرزمین افغانستان نمود.

امریکا میداند که دولت‌واره کابل در عدم موجودیت قطعات نظامی امریکا - ناتو توانایی برقراری امنیت و مقابله با گروه های مسلح بنیادگرایان اسلامی - مذهبی و شبکه های تروریستی را ندارد، چنانچی در پی دستور دونالد

ترامپ برای کاهش نظامیان این کشور در افغانستان، کمیته دفاعی سنای آمریکا اظهارداشت که باید در افغانستان حضور داشته باشیم.

"آدام اسمیت" رئیس کمیته دفاعی سنای آمریکا گفت: «مناطقى که در آن حاکمیت وجود ندارد و یا ضعیف است زمینه مناسبی برای رشد گروه‌های تروریستی است و به نظر بسیاری، اگر افغانستان سقوط کند بار دیگر به ۱۱ سپتامبر باز خواهیم گشت». «مک تورنبری» عضو کمیته دفاعی سنای آمریکا نیز اظهارداشت که "هدف این است که افغانها بتوانند به مشکلات امنیتی خودشان رسیده گی کنند اما هنوز به چنین توانایی نرسیده‌اند». از سوی دیگر، «استفان بیدل» عضو شورای روابط خارجی آمریکا نیز گفته که باید نیروهای آمریکایی در افغانستان بمانند تا فشاری در مذاکرات دولت افغانستان با طالبان باشد.

اما در مورد موافقتنامه ی طالبان باید گفت که "موافقتنامه میان طالبان و امریکا" در واقع دست‌آورد با اهمیت برای طالبان و حامیان خارجی آنها به ویژه پاکستان و ارتجاع عرب، مبنی بر "حق بودن جهاد" آنها در افغانستان می باشد. این موافقتنامه از دید طالبان پاداشی بزرگ برای جنگیدن (جهاد) شان با یکی از قدرتمندترین قدرت جهانی اشغالگرشمرده میشود. به همین لحاظ یکی از دلایل پافشاری طالبان در مورد محور قرار دادن این موافقتنامه در مذاکرات میان تیم دولت افغانستان با طالبان همین مسأله تصور میگردد.

البته در کنار حمایت بی دریغ امریکا و ارتجاع عرب از گروه طالبان، ضعف حکومت مرکزی و چند پارچه گی در میان نیروهای فعال سیاسی نظامی داخلی جامعه افغانی و نفوذ شبکه های مافیایی در قدرت نیز باعث شده تا طالبان در دستیابی به هرگونه توافق در مورد کاهش خشونت، تقسیم قدرت و یا انحصار قدرت دست برتری را داشته باشند.

یکی از نکات جذاب توافقنامه ی تیم ترامپ با طالبان برای امریکا ظاهراً این است که طالبان "تضمین!" نموده اند که، جلو حملات داعش و دیگر گروه های تروریستی را به ضد تاسیسات و منافع امریکا در افغانستان بگیرند. اما بسیار قابل تردید است که طالبان چه به حیث قدرت مرکزی و یا شریک قدرت، توانایی کنترل سایر گروه های مخالف از همه مهمتر داعش را داشته باشد.

داعش در افغانستان به هیچ کس رحمی ندارد. این گروه پس از سال ۲۰۱۵ به عملیتهای زیادی در افغانستان دست زده است. گفته می شود چند هزار جنگجو داعشی در افغانستان حضور دارند. مجاهدین داعشی مسوول حملات دهشت افکنانه ای در سراسر افغانستان هستند، به خصوص در شهرهای بزرگ از جمله کابل که عمدتاً اهدافشان افراد ملکی و نهادهای مسکونی، آموزشی و مذهبی بوده است.

به پندار ما هرگونه عقب نشینی نیروهای آمریکایی و متحدین آن در وضعیت فعلی باید براساس شرایط موجود اقتصادی- اجتماعی و نظامی و میدانهای جنگ باشد. در غیر این صورت پیامدهای آن فاجعه بار خواهد بود. خروج عجلولانه ای نیروهای خارجی ( امریکا - ناتو) منجر به یک وضعیت شبیه به آنچه که ناشی از عقب نشینی شوروی از افغانستان بود می شود.

نگرانی و سرا سیمه گی دولتواره کابل قابل درک است، دولتهای پوشالی، ضعیف و فاقد پایگاه های اجتماعی، زمانیکه حمایت خارجی خود را از دست بدهند و از جمله حمایتهای نظامی و مالی شان متوقف گردد، به سرعت از بین می روند. این دقیقا همان چیزی است که پس از خروج شوروی از افغانستان رخ داد، زمانیکه روسیه و همپیمانهای او در اوایل دهه ۱۹۹۰ حمایت خود را از دولت دموکراتیک افغانستان به رهبری داکتر نجیب الله متوقف کردند، منجر به سقوط آن دولت شد، " حزب- دولت " فروپاشید، نظامیان رژیم تجزیه شدند، گروههای از آنها به مجاهدین پیوستند و بخشی از آنها به شبه نظامیان مستقل ملی - قومی تبدیل شدند.

امکان آن وجود دارد که افغانستان یک بار دیگر دچار جنگ داخلی شود، و به سوی انارشی مرحله ی نخست حکومت جهادی - مافیایی برگردد، در چنین وضعیت روسیه، ایران، هند و چین نیز از گروه های مورد نظر خود شان حمایت خواهند کرد. در آن صورت طالبان با حامیان پاکستان و ارتجاع عرب شان برنده جنگ افغانستان و جانشین و وارث امریکا - ناتو نخواهند شد.

با استفاده از تجربه عراق و سوریه، امریکا و کشورهای اروپایی این منطق ساده را خوب درک مینمایند که با سیاه و سپید کردن بیرقهای نیروهای جنگی ارتجاع مذهبی افراطی در افغانستان نمیتوانند به اهداف خود برسند. اگر نیروهای متواری " داعش "، القاعده و طالبان پایگاهی دولتی در این کشور بیابند خطری که منافع کشورهای غرب را تهدید خواهد کرد بزرگتر و قیمت تر از آن چیزی است که در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق افتاد.